

طومارهای نقالی و ضرورت فهرست‌بندی بن‌مایه‌های آن‌ها؛ با نگاهی به بن‌مایه‌های داستان فریدون در طومار نقالی مشکین‌نامه

فرخ حاجیانی* - اکبر صیادکوه**

انسیه هاشمی قلاتی***

چکیده

طومارهای نقالی بخش مهمی از اسناد مکتوب روایت‌های عامیانه حماسی این سرزمین را دربرمی‌گیرند. بخشی که گاه امکان روشن شدن پاره‌هایی مبهم از سنت حماسی ایران را فراهم می‌سازد. حجم عظیم این روایت‌ها، بررسی ورق به ورق آن‌ها را تا حدودی دشوار ساخته است. یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند به مطالعه روشمند این روایت‌ها کمک کند، فهرست کردن بن‌مایه‌های آن‌هاست. به یاری این فهرست، متون روایی به عناصر سازنده‌شان تجزیه می‌شوند تا راه برای بررسی‌های درون‌متنی هموار گردد.

استیث تامسون در فهرست شش جلدی خویش که دانش‌نامه‌ای برای مطالعه بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه به شمار می‌رود، بن‌مایه‌های روایت‌های عامیانه را در سنت‌های روایی ملل و فرهنگ‌های مختلف دسته‌بندی می‌کند. روش تامسون به روایت‌های عامیانه اسلوب و چهارچوبی می‌بخشد که سبب تسهیل دسترسی به بن‌مایه‌های هر روایت و نیز نمونه‌های مشابه آن‌ها در روایت‌های دیگر می‌شود. از سوی دیگر، با حفظ نظامی بین‌المللی، بررسی بن‌مایه‌های مشابه در روایت‌های ملل مختلف را ممکن می‌سازد که به مطالعات تطبیقی روایت‌ها منجر می‌گردد.

از این رو دسته‌بندی کردن بن‌مایه‌های طومارهای نقالی هم می‌تواند با فراهم کردن فهرست روشنی از بن‌مایه‌ها، زمینه‌ای باشد برای دسترسی آسان‌تر به هر بن‌مایه در روایت‌های مختلف، ریشه‌یابی بن‌مایه‌ها، بررسی سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای یک بن‌مایه در دوره‌های مختلف و نیز مطالعات تطبیقی روایت‌ها. در نهایت، فهرست کردن بن‌مایه‌های پاره‌ای از ادبیات عامیانه می‌تواند الگویی باشد برای فهرست کردن بن‌مایه‌های دیگر روایت‌های عامیانه و حتی ادبیات رسمی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز hajianif@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز ak_sayad@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز ensiyeh.hashemi@yahoo.com

این مقاله با استخراج بن‌مایه‌های داستان فریدون از طومار نقالی مشکین‌نامه می‌کوشد تا تطبیق شیوه فهرست کردن بن‌مایه‌های تامسون را بر روایات ایرانی نشان دهد و غنای ادب عامیانه ایرانی در افزودن بن‌مایه‌های نو به فهرست جهانی را آشکار سازد.

واژه‌های کلیدی

طومارهای نقالی، حماسه‌ی عامیانه، فهرست بن‌مایه‌ها، مشکین‌نامه، داستان فریدون

مقدمه

قصه‌گوییِ ناقلان اخبار و راویان شکرشکن شیرین‌گفتار در سرزمین کهن ایران قدمتی به درازنای تاریخ دارد. چنان‌که برخی پژوهشگران مطالب سند مکتوب آن را دست‌کم مربوط به دوران پارتیان می‌دانند (بویس، ۱۳۶۹: ۷۵۷). گوسانان، این راویان داستان‌های رزمی و بزمی، با نوای ساز و به همراه آواز قصه‌های دل‌کشی را احتمالاً چه در دربار شاهان و چه در میان مردم عامه، روایت می‌کرده‌اند. بعدها، در دوره‌های اسلامی، وظیفه گوسانان را در انتقال روایات عامیانه، نقالان روایات حماسی بر عهده گرفتند.

آن‌چه نقالان برای مردم روایت می‌کرده‌اند، چه برگرفته از داستان‌های شاهنامه بود و چه نقلی از دیگر روایات حماسی ایران‌زمین، گاه به صورت دست‌نوشته‌هایی به کتابت در می‌آمد که گرچه الزاماً به شکل طومار (کاغذ درنوردیده شده) نبود، طومار نقالی نامیده می‌شد. طومارهای نقالی بخش نسبتاً مهمی از ادب عامیانه ایران‌زمین به شمار می‌آیند اما متأسفانه این میراث مکتوب ارزشمند به دلیل عامیانه بودنش کمتر مورد توجه ادبا و پژوهشگران قرار گرفته است در حالی که «مطالعه این طومارها از نظر تحقیق در حماسه ملی و روشن کردن جزئیات و گوشه‌های تاریک آن اهمیت بسیار دارد و اگر محققان فرهنگ عامه آن‌ها را مورد توجه قرار دهند، شک نیست که در این پژوهش به مقداری از روایت‌های اصیل و کهن حماسه‌ی ملی دست خواهند یافت و بدین وسیله بسیاری از مسائل روشن خواهد شد و نیز ممکن است صورت‌هایی دیگر و روایت‌هایی تازه از داستان‌های معروف حماسی به دست آید» (محبوب، ۱۳۸۷: ۱۱۱۳). بررسی و طبقه‌بندی بن‌مایه‌های طومارهای نقالی به عنوان پاره‌ای از ادبیات عامیانه‌ی ایران، می‌تواند به وصف ویژگی‌های قصه‌های موجود در طومارها بپردازد، روایات مختلف از قصه‌های عامیانه حماسی را بیابد و آن‌ها را با یک‌دیگر مقایسه کند، عناصر دست‌اندرکار این روایات را معرفی نماید، به ما بنمایاند که چه نوع قصه‌هایی و با چه نوع بن‌مایه‌هایی در اطراف هسته حماسی روایات شکل گرفته‌اند، طرح داستانی این قصه‌های حماسی چگونه است و حتی ما را به این نکته رهنمون سازد که خصایل و خوی قهرمانانی که ما در ادب کلاسیک با آن‌ها آشنا هستیم، در قصه‌های عامیانه حماسی چگونه است؟ و همین امر اهمیت فهرست‌بندی بن‌مایه‌ها در طومارهای نقالی را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، بررسی طومارها با آن حجم عظیم داستان‌ها و قصه‌های عامیانه برای دست‌یافتن به یک داستان و روایت خاص، کار بس دشواری است، بنابراین یکی از راه‌های دست‌یابی به روایات حماسی مختلف در این متون، طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستانی است. «توجه به این‌گونه فهرست‌ها و طبقه‌بندی‌ها به عنوان پیش‌نیازی برای شرح و تفسیر قصه‌ها، لازم به نظر می‌رسد. به‌علاوه، فهرستی ویژه برای هر فرهنگ یا کشوری می‌تواند راهنمای مطالعات میدانی و یا

فهرستی جامع را برای پژوهشگران آینده فراهم آورد» (Dundes, 1997: 200).

این مقاله می‌کوشد تا این نکته را مورد توجه قرار دهد که فهرست کردن بن‌مایه‌های طومارهای نقلی نقد و ارزیابی روایات موجود در آن‌ها را ممکن خواهد ساخت و ما را هرچه بیشتر با ادب غنی حماسی ایران‌زمین آشنا خواهد کرد و تلاش می‌کند تا با فهرست کردن داستانی از یک طومار چگونگی فهرست کردن بن‌مایه‌های پاره‌ای از ادب عامیانه را نشان دهد تا راه‌گشای پژوهش‌های آینده در این زمینه باشد.

پیشینه پژوهش

از آن‌جا که در حوزه‌ی استخراج و فهرست کردن بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه به طور کلی و نیز طومارهای نقلی به طور اخص، تا به امروز پژوهشی مستقل انجام نشده است، شاید بتوان تنها پیشینه پژوهشی این مقاله را کتاب ارزشمند مارزلف دانست که در زمینه ادبیات عامیانه‌ی ایران به طبقه‌بندی‌های جهانی و استاندارد نظر داشته‌است.

مارزلف (۱۳۷۱) بر اساس شیوه‌ی آرنه-تامسون دست به طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه ایران زد. در این کتاب قصه‌های ایرانی از منابع موجود به شیوه مذکور شماره‌گذاری می‌شوند و در انتها فهرستی از بن‌مایه‌های این داستان‌ها به دست داده می‌شود اما باید توجه کرد که این فهرست که به عنوان بخشی کامل‌کننده به این کتاب افزوده شده است، لزوماً بر اساس طبقه‌بندی تامسون نیست زیرا به شیوه‌ی الفبایی و تنها با آوردن یک موضوع خاص (مانند آب) به عنوان بن‌مایه سرعنوانی فهرست‌بندی شده است (ر.ک. منابع).

آثاری که در زمینه‌ی طبقه‌بندی و فهرست کردن بن‌مایه‌ها منتشر شده‌اند در دنیا بسیارند اما مواردی که در دسترس بودند، بدین شرح هستند:

تامسون (۱۹۵۵-۱۹۵۸) ویرایش نهایی اثری مرجع را درباره طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامیانه در شش جلد به پایان رساند. وی بن‌مایه‌های روایات عامیانه را در بسیاری از سنت‌های روایی دنیا جمع‌آوری کرد. البته این فهرست هنوز کامل نشده است و با هر پژوهشی در زمینه بن‌مایه‌های روایات عامیانه در هر فرهنگ و کشوری، ضمیمه‌هایی بدان افزوده می‌شود (ر.ک. منابع). کراس (۱۹۶۹) زیر نظر تامسون به فهرست کردن بن‌مایه‌های ادبیات کهن ایرلندی پرداخت. این کتاب از اولین فهرست‌هایی است که طبق شیوه تامسون و نیز تحت نظارت خود او منتشر شد (ر.ک. منابع) گری و الشامی (۲۰۰۵) کتابی مرجع را در روش‌شناسی شیوه‌ی طبقه‌بندی تامسون، با گردآوری مقالاتی درباره انواع بن‌مایه‌ها و شرح و توصیف روش تامسون منتشر کردند (ر.ک. منابع). الشامی (۲۰۰۶) فهرست بن‌مایه‌های هزار و یک‌شب را در کتابی مستقل منتشر نمود. این کتاب یکی از آخرین فهرست‌هایی است که طبق شیوه تامسون نوشته شده است و زمینه مطالعات محتوایی را، درباره هزار و یک‌شب به عنوان کتابی از سنت روایی عرب، فراهم می‌آورد (ر.ک. منابع).

روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و به‌شیوه تحلیل توصیفی، ضرورت فهرست کردن بن‌مایه‌ها در طومارهای نقلی بررسی می‌شود و با عنایت‌بندینمسأله‌کها به حال اثر قابل‌توجهی در دسته‌بندی بن‌مایه‌های داستانی انجام‌گرفته است، بن‌مایه‌های داستان فریدون از طومار مشکین‌نامه فهرست می‌شوند.

طومارهای نقالی

طومارهای نقالی به عنوان سند روایات عامیانه حماسی، مملو از داستان‌ها و قصه‌هایی هستند که به دور یک یا چند هسته حماسی گرد آمده‌اند. معمولاً روایات طومارها از داستان گیومرث آغاز می‌شوند و تا پایان شهریاری بهمن اسفندیار ادامه می‌یابند. توجه به آن‌ها به عنوان متونی که طبق نظر برخی پژوهشگران، بر اساس اسلوب حماسه ایرانی شکل گرفته‌اند، نیز ضروری می‌نماید. به نظر امیدسالار تعریف حماسه در ایران با تعریف آن در کشورهای غربی متفاوت است. وی می‌گوید: «ما ملزم نیستیم که حماسه‌های خودمان را با معیارهای غربی تعریف کنیم و یا تصور کنیم که چون ارسطو در تعریف حماسه آن را منظوم خوانده است، پس تمام حماسه‌های ما هم بالاجبار باید منظوم باشند. یادمان باشد که تقریباً همه شاهنامه‌های پیش از فردوسی به استثنای قصیده مسعودی، منثور بوده‌اند. احتمالاً نوعی از حماسه که نثری بوده است مزین به کلام منظوم، قالب اصلی حماسه در زبان فارسی بوده که هم در ادب رسمی رواج داشته است و هم در ادب عامیانه و نوع عامیانه‌اش همان نقالی معروف است» (امیدسالار، ۱۳۸۹: ۳۵-۷)

این نکته نیز قابل توجه است که واژه‌ی «نقل» در خود شاهنامه نیز به گفته برخی محققان در معنی حماسه‌سرایی (البته به معنی از کسوت نثر به نظم درآوردن) به کار رفته‌است، نکته‌ای که به احتمال وجود نقل و نقالان در دوره فردوسی و یا حتی پیش از او اشاره دارد. خالقی مطلق اشاره به این واژه را در بیتی از شاهنامه که درباره دقتی شاعر است، بدین شکل شرح می‌دهد:

«ستاینده شهریاران بُدی به مدح افسر نامداران بُدی
به نقل اندرون سست گشتش سخن از و نو نشد روزگار کهن

در این جا فردوسی دقتی را بدین جهت که در سرایش شاهنامه راهبر او بود می‌ستاید ولی معتقد است که اگرچه او در مدح یا قصیده‌سرایی سخنوری استاد بود، اما در نقل یعنی منظومه‌سرایی و حماسه‌سرایی دستی نداشت» (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۷).

آیدنلو معتقد است که «یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین شواهد نقل داستان‌های ملی - پهلوانی منثور در ایران دوره اسلامی، اشاره فردوسی به خواندن شاهنامه ابومنصوری در میان جمع و علاقه شنوندگان به آن است:

چون از دفتر این داستان‌ها بسی همی خواند خواننده بر هر کسی
جهان دل نهاده بر این داستان همان بخردان نیز و هم راستان

... با این که نمی‌توان سنت داستان‌گزاری روزگار فردوسی را کاملاً و دقیقاً با نقالی در مفهوم اصطلاحی آن - یعنی بر خواندن داستان‌های ملی - پهلوانی ایران، غالباً در محدوده زمانی آغاز کار گیومرث تا پایان شهریاری بهمن اسفندیار بر اساس حافظه یا منبعی مکتوب (طومار) و به نثر برای شنوندگان - سنجید و یکسان شمرد ولی اگر از یک سو توجه داشته باشیم که خواننده شاهنامه ابومنصوری نیز هم چون نقالان از روی متنی مکتوب و منثور در حضور مردم داستان می‌خوانده است و از سوی دیگر، احتمال دهیم که کار او فقط بر خوانی ساده متن کتاب نبوده و شاید - باز مانند نقالان - با حرکات سر و دست و تغییر آهنگ سخن بر لذت و هیجان داستان‌ها می‌افزوده است که به تعبیر فردوسی «جهان‌دل نهاده بدین داستان»، می‌توانیم نقل/خواندن شاهنامه ابومنصوری را قدیم‌ترین اشاره کلی به نقالی در ایران بدانیم. در این صورت پیشینه فن نقالی مقدم بر سرایش شاهنامه‌ی فردوسی خواهد بود». (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۳۷-۸)

با این‌که پژوهشگرانی مانند آیدنلو حدس می‌زنند که نقالی از دوره فردوسی و یا حتی قبل از او وجود داشته است، برخی محققان آغاز و رواج آن را از عصر صفویان و در قهوه‌خانه‌های اصفهان می‌دانند (دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱۵۳؛ محبوب، ۱۳۸۷: ۱۰۹۶).

مآخذ اصلی این طومارها به عنوان اسنادی ارزشمند از ادب عامیانه - حماسی ایران به شرح زیر است:

- ۱- شاهنامه (داستان‌های اصیل و الحاقی آن) و منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی.
- ۲- پاره‌های اشارات منابع تاریخی درباره موضوعات ملی و پهلوانی ایران.
- ۳- اندوخته‌های ذهنی نقالان که خود آمیزه‌ای از خواننده‌ها و شنیده‌های آن‌ها با قوه خیال‌پردازی ایشان است.
- ۴- طومارهای نقالان پیشین. (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۵۲).

فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های قصه‌های عامیانه

طبقه‌بندی کردن در هر زمینه علمی که دربرگیرندهی محتواهای مختلف و متعدد است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد زیرا هر پاره‌ای از علم نیاز به بررسی و مطالعه ویژه دارد که فهرست کردن و طبقه‌بندی داده‌ها به این امر سهولت بیشتری می‌بخشد. استیث تامسون در این باره می‌گوید: «هر شاخه‌ای از علم قبل از این‌که موضوع جدی علمی به شمار آید، نیاز به طبقه‌بندی و فهرست شدن دارد. زمانی بود که زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی فقط مجموعه‌هایی بدون ترتیب، بی‌هدف و با عجله ترتیب‌یافته از حقایق و تئوری‌ها بودند و تنها زمانی زمینه مطالعه علمی همه جانبه آن‌ها فراهم شد که طبقه‌بندی منظمی بر روی آن‌ها صورت گرفت.» (Thompson, 1977: 413)

طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه نیز به دلیل گستردگی و تعدد منابع ضروری است. مطالعه این متون و دسترسی به محتوای قصه‌های گوناگون به ویژه زمانی که بحث مطالعات تطبیقی در میان است، بدون داشتن فهرستی منظم کاری تقریباً محال به نظر می‌رسد.

در اروپا پس از گردآوری قصه‌ها تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی آن‌ها صورت گرفت و نهایتاً این طبقه‌بندی تیپ‌های قصه بود که به طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها منجر شد. طبقه‌بندی تیپ‌های قصه در فنلاند و در پایان قرن نوزدهم آغاز شد یعنی همان جایی که توجه به ادب عامه، توجه به هویت ملی فنلاندی به شمار می‌آمد. جولوس کرون، روش تاریخی - جغرافیایی را به کار گرفت تا روایت‌های گوناگون شعرهای حماسی "کالوالا" را با یک‌دیگر مقایسه کند. او روایت کالوالا را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کرد و توزیع جغرافیایی آن‌ها را مورد مطالعه قرار داد تا بدین وسیله مکان اولیه هر سروده را بیابد. پس از او پسرش، کارل کرون، این روش را برای مطالعه‌ی قصه‌های عامیانه و بررسی‌های تطبیقی و تاریخی مورد استفاده قرار داد. شاگرد او، آنتی آرنه، از طریق این روش سیستمی را برای فهرست‌بندی قصه‌ها بر اساس تیپ آن‌ها، پایه‌گذاری کرد که بعدها توسط استیث تامسون، فولکلوریست آمریکایی، گسترش یافت. تامسون بر اساس همین نوع طبقه‌بندی دست به فهرست نویسی بن‌مایه‌های ادب عامه زد. دلیل این‌که تامسون نوشتن فهرست بن‌مایه‌ها را آغاز کرد، این است که در اعتراف خود او «در حدود بیش از نیمی از تیپ‌های قصه در طبقه‌بندی قصه‌ها، تنها یک "بن‌مایه‌ی روایی" دارند.» (Dundes. 1997: 197)

فهرست بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه تامسون یک مرجع شش جلدی و سلسله‌مراتبی است؛ یعنی گروه‌های بزرگی از

بن‌مایه‌ها مثل (پیدایش عالم یا حیوانات) به گروه‌های کوچک‌تر مثل (آسمان‌ها، زمین، حیوانات اسطوره‌ای، حیوانات جادویی) تقسیم‌بندی می‌شوند. آخرین نسخه این فهرست بیش از ده‌ها هزار بن‌مایه را در برمی‌گیرد و هنوز هم در حال گسترش است.

در گسترش بن‌مایه‌ها، محققان باید تصمیم بگیرند که چه چیزی یک بن‌مایه یا گروهی از بن‌مایه‌ها و یا زیرگروه‌های بن‌مایه‌ای را می‌سازد. باومن در این باره مثالی را ذکر می‌کند: «بن‌مایه E ۳۸۴: روح به وسیله موسیقی احضار می‌شود؛ که این یک بن‌مایه کلی است و به دو زیرگروه تقسیم می‌شود: E ۱/۳۸۴: "روح به وسیله طبل احضار می‌شود" و E ۲/۳۸۴: "روح با سوت زدن برمی‌خیزد". از آن‌جا که تنها تفاوت میان این دو بن‌مایه، نوع موسیقی است، به نظر می‌رسد که قصه اصلی، احضار روح باشد به وسیله موسیقی و نیز به نظر می‌رسد که نوع موسیقی - اگر چه در جای خود جالب توجه است - آن‌قدر تمایز برانگیز نباشد که قصه‌ای جداگانه بسازد. درحالی که بن‌مایه E ۳۸۴ یک قصه در زبان انگلیسی به شمار می‌رود، برای آن دو روایت موجود است که دو زیرگروه این بن‌مایه را شکل می‌دهند» (Baughnam, 1966: 19).

تامسون تلاش می‌کند تا در طبقه‌بندی خود، عناصر ادبیات روایی سنتی را در یک فهرست منطقی منفرد گردآوری کند. برخی حوزه‌ها که در جمع‌آوری بن‌مایه‌های گوناگون او را یاری رسانده‌اند، شامل: ادب عامه و اسطوره، افسانه‌های محلی، رومانس‌های قرون وسطی، افسانه‌های مربوط به افراد مثالی و مقدسان، کتاب‌های لطیفه و رمان، افسانه‌های موزون، سروده‌های افسانه‌ای و گلچین‌های ادبی بوده است. این حوزه‌ها از سنت‌های روایی مختلفی مانند اروپا، خاورمیانه، هند، خاور دور، اقیانوسیه، سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقا فراهم آمده است.

تامسون از روش طبقه‌بندی و شماره‌گذاری کتب بر اساس روش کتابخانه‌ای دیویسود می‌جوید تا فهرستی از بن‌مایه‌ها بسازد که در هر زمان و با هر پژوهشی بر روی قصه‌های ملل، قابل گسترش باشد (Thompson, 1977: 425). وی پس از جمع‌آوری بن‌مایه‌ها، آن‌ها را در بیست و سه فصل به ترتیب حروف الفبای انگلیسی‌جای می‌دهد که به ترتیب به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، حیوانات، تابوها، جادو، مرگ، عجائب، دیوان و جادوگران، آزمون‌ها، خردمندی و بی‌خردی، اغوا و فریب‌کاری، طالع و سرنوشت، آینده و تقدیر، بخت و شانس، اجتماع، پاداش و کیفر، اسرا و تبعیدی‌ها، ظلم و ستم، زناشویی و ازدواج، زندگی، دین، ویژگی‌های شخصیت‌ها، طنز و فکاهه و بن‌مایه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند.

به دلیل این که بن‌مایه‌های بسیاری در فصل‌های مختلف فهرست بن‌مایه‌ها با یکدیگر مرتبط هستند، این ارتباط با ارجاع متقابل (cross-reference) و علامت (cf.) (ر.ک: رجوع کنید) در متن نشان داده شده است.

بن‌مایه

از منظر ادبیات عامیانه برای بن‌مایه تعاریف متعددی در میان پژوهشگران رواج دارد. محققان ادب عامه از واژه بن‌مایه/موتیف (motif) برای عناصر داستانی تکرار شونده در طرح‌های داستانی روایات عامیانه استفاده می‌کنند (برای مثال؛ شخصیت‌های موجود، اهداف، اعمال و رویدادها). این واحدهای محتوایی که روایات منثور یا منظوم از آن‌ها یا از توالی آن‌ها شکل می‌گیرند، در پایان قرن بیستم برای مطالعات تطبیقی متون در ادب عامه مورد استفاده قرار گرفتند. طبق

نظر آپو «استیث تامسون دامنه معنایی بن‌مایه/موتیف را گسترش داد... او توضیح داد که برخی بن‌مایه‌ها مانند "خلقت خورشید" می‌توانند مضمون/تم اصلی را در روایت بسازند. اصطلاح بن‌مایه حتی می‌تواند به طرح روایی داستان هم اطلاق شود و یا واحدهای کوچک‌تر روایت مثل یک رویداد واحد یا چندین رویداد متوالی و یا حتی داستان‌های فرعی را در برگیرد. برخی از این بن‌مایه‌ها ممکن است در طرح‌های داستانی گوناگونی ظهور یابند، مثلاً بن‌مایه "پرتاب موانع"، در قصه‌های مختلف به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود: وقتی قهرمان داستان در حال فرار است، چیزی مثل شانه، سنگ یا بطری آبی را پشت سرش پرتاب می‌کند و این اشیاء به طرز معجزه‌آسایی تبدیل به جنگلی انبوه، کوه و یا دریاچه‌ای می‌شوند که فرار او را امکان‌پذیر می‌سازند». (Apo, 1977: 563)

داندس نیز می‌گوید: «تامسون بن‌مایه را کوچک‌ترین عنصر در قصه می‌داند که قدرت باقی ماندن در یک سنت روایی را دارد». (Dundes, 1997: 197) از این رو، بن‌مایه‌ها عناصری در قصه هستند که به مرور زمان و به دلیل تکرار به جوهرهایی نمونه‌وار در ادب عامه تبدیل شده‌اند.

طبق نظر برخی پژوهشگران، بن‌مایه‌ها می‌توانند طرح داستانی یک روایت را نیز مشخص سازند. رابرت اسکولز طرح داستان را حاصل جمع بن‌مایه‌هایی می‌داند که به ترتیبی تنظیم می‌شوند تا عواطف خواننده را درگیر نگه دارند و درون‌مایه را بیروند، او سپس کارکرد زیبایی‌شناختی طرح را نیز وابسته به این می‌داند که توجه خواننده را به بن‌مایه‌ها جلب کند (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

بن‌مایه‌ها اغلب از داستانی به داستان دیگر و یا حتی از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شوند و درست به همین دلیل، کمتر صورت ابداعی دارند. چه بسیارند بن‌مایه‌هایی که در فرهنگ‌های مختلف مشترک‌اند (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۸). به سبب به خاطر همین اشتراکات است که می‌توان فهرستی از بن‌مایه‌های داستانی در هر فرهنگ و هر سنت روایی ترتیب داد که گاه در بیشتر بن‌مایه‌ها با بن‌مایه‌های جهانی هم‌سویند و گاه نیز یک یا چند ویژگی خاص دارند که آن‌ها را از بن‌مایه‌های دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد.

امروزه توجه به بن‌مایه‌ها به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده اسطوره، فولکلور و ادبیات بسیار مورد توجه است. از طریق مطالعه و طبقه‌بندی بن‌مایه‌ها می‌توان سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای بن‌مایه‌ها را فارغ از شکل ظاهری و ساختاری قصه‌ها و اسامی خاص در دوره‌های مختلف بررسی کرد و فهرست روشنی از بن‌مایه‌ها را به دست داد که زمینه را برای ریشه‌یابی آن‌ها آسان‌تر کند.

ضرورت فهرست کردن بن‌مایه‌های طومارهای نقالی

«توجه به این‌گونه فهرست‌ها و طبقه‌بندی‌ها به عنوان پیش‌نیازی برای شرح و تفسیر قصه‌ها، لازم به نظر می‌رسد. به‌علاوه، فهرستی ویژه برای هر فرهنگ یا کشوری می‌تواند راهنمای مطالعات میدانی و یا فهرستی جامع را برای پژوهشگران آینده فراهم آورد». (Dundes, 1997: 200)

«اهمیت فراوان مجموعه‌های بزرگ قصه‌های شرقی مانند سندبادنامه، کلیله و دمنه و یا هزار و یک‌شب، از دیرباز بر همگان آشکار است. از این‌ها گذشته همه بر این واقعیت آگاهی کامل دارند که به موازات این تدوین‌های قدیمی قصه، باز روایاتی شفاهی هم وجود دارد که به عنوان بقایا یا انعکاس منابع کتبی از دست رفته امروز می‌توانند دارای اهمیت

باشند» (مارژلف، ۱۳۷۱: ۱۲).

از دو سخن بالا اهمیت طبقه‌بندی داده‌های قصه‌های عامیانه به ویژه قصه‌های شرقی آشکار می‌شود. در کشور ما، مطالعات ادب عامه کمتر مورد توجه و تدقیق قرار گرفته است. در نتیجه بررسی و فهرست‌بندی بن‌مایه‌های پاره‌ای از این گونه‌ی ادبیات، به غیر از این که می‌تواند راهگشای پژوهش‌هایی در زمینه شناخت و ماهیت فولکلور ایرانی باشد، به منزله متممی نیز برای فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های تامسون به شمار می‌آید.

در ادامه مثالی از فهرست‌بندی بن‌مایه‌ها در داستان فریدون از طومار نقالی مشکین‌نامه ارائه می‌شود تا روش فهرست کردن بن‌مایه‌ها تبیین شود و غنای فرهنگ و ادب ایرانی در افزودن بن‌مایه‌های روایی به فهرست جهانی هرچه بیشتر آشکار شود. در این جا نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که فهرست تامسون یک فهرست بین‌المللی است که با حروف الفبا و اعداد لاتین شماره‌گذاری شده است و از آن جا که هر فهرستی که در هر سرزمینی تهیه می‌گردد، باید به مثابه ضمیمه‌ای بر این فهرست تلقی شود، از تغییر الفبا و اعداد شماره‌گذاری آن چشم‌پوشی شده است. برخی از بن‌مایه‌ها با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند، این بن‌مایه‌ها در فهرست تامسون نیستند زیرا اساس فهرست بر این قرار دارد که هرگاه بن‌مایه جدیدی پیدا شد آن را با علامت ستاره مشخص سازند و بعداً به اصل فهرست بیفزایند. پیدا شدن بن‌مایه‌های نو در این پاره داستانی نشان‌دهنده این است که قصه‌های ایرانی توانی بالقوه در افزودن بسیاری بن‌مایه‌های نو به فهرست جهانی دارند و می‌توانند سبب غنای آن گردند. از سوی دیگر هر بن‌مایه‌ای که با بن‌مایه دیگری مرتبط است با علامت (ر.ک.) به معنای رجوع کنید، معرفی می‌گردد تا پژوهشگر بتواند همه بن‌مایه‌های مربوط به یک موضوع را در کنار هم ببیند. صفحات ارائه شده در پایان هر بن‌مایه نیز ارجاعی است به صفحات طومار نقالی مشکین‌نامه برای سهولت دسترسی به منبع اصلی.

(B: حیوانات)

- 192.4.*B: حیوان جادویی کشته می‌شود؛ شیری از جنگل بیرون می‌آید و مرکب جادویی و از دریا برآمده فریدون و مادرش را می‌درد و می‌خورد. ص. ۱۴
- 335.B: حیوان یاریگر به دست دشمن قهرمان کشته می‌شود؛ گاو پرورش‌دهنده فریدون به دست مردار کشته می‌شود. ص. ۱۴
- 2.*B339: مرگ حیوان مفید و یاریگر؛ قهرمان (آبتین) شکم مرکبش را پاره می‌کند تا در آن پنهان شود، برای رهایی از سپاه مردار. ص. ۱۳
- 1-535.0.B: گاو به عنوان پرستار کودک؛ گاو دایه و پرورش‌دهنده فریدون است. ص. ۱۴ (ر.ک. *T611.12)
- 16.*B557: مرکب غیرمعمول؛ مرکب قهرمان و پادشاه آینده (فریدون) گاو است. ص. ۱۶
- 2-576.B: حیواناتی که از گنج‌ها محافظت می‌کنند؛ شیری نگهبان گنجینه جمشید است. ص. ۱۴ (ر.ک. *N584)
- 3-771.B: حیوان درنده به افراد خاندان سلطنت حمله نمی‌کند؛ شیر فریدون و مادرش را می‌بوید اما نمی‌کشد. ص. ۱۴

(D: جادو)

- D151.4: دگرسانی انسان به کلاغ؛ مبارک، غلام گورنگ شاه، برای گرفتن و رساندن نوش‌دارو به ایرج به یاری سحر، به شکل کلاغی درمی‌آید. ص. ۲۰.
- D199.2: دگرسانی انسان به اژدها؛ فریدون با دمیدن اسم اعظم به خود به صورت اژدها درمی‌آید. ص. ۲۱ (ر.ک. *D1273.0.5.4)
- D231: دگرسانی انسان به سنگ؛ سپاه فریدون با جادوی زنان ضحاک سنگ می‌شوند. ص. ۱۸ (ر.ک. G263.2.1)
- D705.2*: رفع طلسم کردن از مکان؛ فریدون با کشتن شیر، طلسم سرداب زیر کوه را که جایگاه گنجینه جمشید است، می‌شکند. (با کشتن شیر صاعقه می‌شود و طلسم شکسته می‌شود). ص. ۱۵
- D1242.2: معجون جادویی؛ نوش‌دارو. ص. ۲۰ (ر.ک. D1515)
- D1261.4.0.1.1*: درمان از طریق دریافت دستورالعمل از شاه در گذشته در رویا؛ گورنگ شاه، جمشید را در خواب می‌بیند که درمان ایرج با نوش‌دارو را خاطر نشان می‌سازد. ص. ۲۰ (ر.ک. D1515 و *F959.6.3)
- D1273.0.5: ورد و افسونی که نام خدا در خود دارد؛ هوم عابد و شیطان اسم اعظم می‌خوانند تا طلسم‌های یک‌دیگر را نابود کنند. ص. ۱۴ (ر.ک. G303.9.8.13 و *G303.9.6.1.3)
- D1273.0.5.1*: وردی که نام خدا در خود دارد، حیوانات را برای کمک احضار می‌کند؛ هوم عابد اسم اعظم می‌خواند و شیر و اژدها را برای حفاظت از فریدون بر در غار احضار می‌کند. ص. ۱۴
- D1273.0.5.2*: آموزش وردی که نام خدا در خود دارد به قهرمان و پادشاه آینده؛ هوم عابد به فریدون چند اسم اعظم می‌آموزد. ص. ۱۵
- D1273.0.5.3*: قهرمان با وردی که اسم اعظم در خود دارد، وسایل اسیر ساختن پادشاه ظالم را طلسم می‌کند؛ کاوه با اسم اعظم میخ‌ها و زنجیرهای اسیر ساختن ضحاک را طلسم می‌کند، چاهی در بالای کوه دماوند ترتیب می‌دهد و مستی گوگرد که اسم اعظم بدان دمیده شده است در اطراف چاه می‌پاشد تا راه رفتن به سوی آن چاه را طلسم کند. ص. ۱۸ و ۱۹
- D1273.0.5.4*: تغییر شکل با دمیدن وردی که نام خدا در خود دارد؛ فریدون با خواندن اسم اعظم و دمیدن آن به خود به چهره اژدها درمی‌آید. ص. ۲۱ (ر.ک. D199.2)
- D1311.6.0.1.1*: غیب‌گویی با نگاه در اسطرلاب؛ موبدان با نگاه در اسطرلاب مخفیگاه فریدون را به ضحاک می‌گویند. ص. ۱۴
- D1515: نوش‌دارو (پادزهر جادویی)؛ نوش‌دارویی که از هوم گرفته شده است، ایرج را نجات می‌دهد. ص. ۲۰ (ر.ک. D1242.2 و D1261.4.0.1.1 و *F959.6.3)
- D1561.2.2: گنجینه جادویی قدرتی شگفت‌انگیز می‌بخشد؛ فریدون با پوشیدن تاج، کمر و قبای جمشید (گنجینه‌ی دفن‌شده) سبب شکستن پایه تخت ضحاک، افتادن تاج از سر او و باز شدن کمرش می‌شود. ص. ۱۵
- D1712.3: معبران خواب؛ موبدان خواب ضحاک را تعبیر می‌کنند. ص. ۱۳ (ر.ک. H617 و M302.7)
- D1739.2: دست یافتن به قدرتی جادویی با شنیدن صدایی آسمانی؛ مادر فریدون با شنیدن صدایی قدرت راه

رفتن بر آب را به دست می‌آورد. ص. ۱۴. (ر.ک. D1827.3* و F966)

1- D1766.1.4.1*: نتایج جادویی دعا: نابینایی با دعا به درگاه یزدان پایان می‌یابد. فریدون با دعا به درگاه یزدان

برای دیدن منوچهر بینا می‌شود. ص. ۲۵. (ر.ک. F952.8* و V52.16*)

3- D1812.3.3: آینده‌ای که در رویا آشکار می‌شود؛ ضحاک خواب می‌بیند که شیری او را دریده است، که تعبیر آن

به قول موبدان به دنیا آمدن قاتل ضحاک، فریدون است. ص. ۱۳.

2- D1814.2: دریافت توصیه و اندرز از طریق رویا؛ مادر فریدون خوابی می‌بیند که به او می‌گوید: فردا فریدون را

بردار و به سمت چین ببر. ص. ۱۳ و نیز خواب دیدن کاوه و صالح برای رفتن به دنبال سلطان تازه (فریدون). ص. ۱۵.

3- D1827.3*: شنیدن آوای هدایتگر جادویی؛ مادر فریدون صدایی می‌شنود که او را راهنمایی می‌کند. ص. ۱۴.

(ر.ک. D1739.2 و F966)

17- D2091.17*: دشمن به شکلی سحرآمیز به دست حمله‌کنندگانی از غیب کتک می‌خورد؛ از غیب بر سر مردار

می‌زنند و او کتک بسیار می‌خورد. ص. ۱۴.

1- D2125.1: قدرت جادویی راه رفتن بر روی آب؛ مادر فریدون قدرت راه رفتن بر روی آب به دست می‌آورد.

ص. ۱۴.

4- D2125.4: عبور از آب سوار بر مرکب؛ مادر فریدون سوار بر مرکبی از آب عبور می‌کند. ص. ۱۴.

(F: عجائب)

4- F565.4: زنان شکارچی. دختر بهرام ابرکوهی، همسر فریدون و دختر بهرام ایل‌بیگی همسر تورک در هنگامه شکار

و زمانی که به دنبال صیدی روان هستند با پهلوانان آشنا می‌شوند. ص. ۱۶ و ۲۲.

5- F565.5*: زنان جنگ‌جو. دختر بهرام ابرکوهی با فریدون می‌جنگد. ص. ۱۶ و نیز دختر بهرام ایل‌بیگی، قمربانو با

شیدسب به نبرد می‌ایستد. ص. ۲۲ و نیز مهربان، خواهر قمربانو شیری را که به او حمله می‌کند از پای درمی‌آورد.

ص. ۲۲.

1- F610.7.0.1*: پهلوان قوی‌هیکل چنان سنگین است که یک اسب نمی‌تواند او را حمل کند؛ هیچ مرکبی طاقت

تورک را ندارد، برای رفتن او نزد فریدون عراده‌ای ترتیب می‌دهند که هفده گاو میش آن را می‌کشند. ص. ۲۲.

16- F611.1.16*: تولد پهلوان قوی‌هیکل با جثه‌ای بزرگ؛ تورک فرزند گورنگ شاه زابلی چنان قوی‌هیکل است که

در بدو تولد یک‌ساله، در یک‌سالگی، چهارساله و در پنج‌سالگی ده‌ساله می‌نماید. ص. ۲۱. (ر.ک. T615)

1- F611.2.4.1*: پهلوان قوی‌هیکل را در کودکی چهل دایه شیر می‌دهند؛ تورک پسر گورنگ شاه زابلی را در کودکی

چهل دایه شیر می‌دهند. ص. ۲۱.

7- F611.3.2.7*: کسی را تاب مقاومت در برابر پهلوان ده‌ساله نیست؛ کسی از عهده تورک فرزند ده‌ساله گورنگ

شاه کابلی بر نمی‌آید، او پهلوانان شجاع را زمین می‌زند. ص. ۲۱.

2- F611.3.3.0.2*: پهلوان ارزشمند از پدر درخواست شمشیر می‌کند و شمشیرش را از پادشاه می‌ستاند؛ تورک از

پدر، سپس از پادشاه ایران یعنی فریدون درخواست شمشیر می‌کند و فریدون شمشیر طهمورث دیو بند را به او می‌دهد،

شیدسب ابن تور ابن جمشید هم که همراه تورک روانه شده است، درخواست شمشیری از فریدون می‌کند و فریدون شمشیر جمشیدی را به او می‌سپارد. ص. ۲۱

-F624.11*: پهلوان قوی هیکل میلی هفت‌جوش به وزن ده خروار را بلند می‌کند؛ تورک فرزند گورنگ شاه با چنین میلی در حال بازی است. ص. ۲۳

-F835.2.3*: گرز (عمود) شگفت‌انگیز؛ گرز چهارصد منی گاو سر فریدون که کاوه آن را از هفت خروار فولاد می‌سازد و به عنوان تحفه‌ای برای فریدون می‌برد. ص. ۱۵

-F952.8*: نابینایی به شکلی معجزه‌آسا با دعا به درگاه یزدان درمان می‌شود؛ فریدون با دعا به درگاه یزدان برای دیدن منوچهر بینا می‌شود. ص. ۲۵ (ر.ک. D1766.1.4.1* و V52.16*)

-F959.6.3*: درمان معجزه‌آسای زهر؛ دفع زهر با درمان معجزه‌آسای نوش دارو (در داستان ایرج). ص. ۲۰ (ر.ک. D1261.4.0.1.1* و D1515)

-F966: صداهای آسمانی؛ مادر فریدون صدایی می‌شنود که او را راهنمایی می‌کند تا به آب بزند، سوار مرکبی شود و در جنگل نزد صاحب صدا (هوم عابد) برود. ص. ۱۴ (ر.ک. D1739.2 و D1827.3*)

-F1041.3: پادشاه از گریستن زیاد نابینا می‌شود؛ نابینایی فریدون پس از هفت سال اشک ریختن در سوگ فرزند. ص. ۲۵ (ر.ک. P40*)

(G: دیوان و جادوگران)

-G263.2.1: جادوگر انسان‌ها را سنگ می‌کند؛ زنان جادوگر ضحاک سپاه فریدون را سنگ می‌کنند. ص. ۱۸ (ر.ک. D231)

-G282.2*: زنان جادوگر سحر را از ابلیس آموخته‌اند؛ زنان ضحاک، آذرنوش و نوش‌آذر (دختران جمشید)، نزد ابلیس سحر فراگرفته‌اند. ص. ۱۸

-G299.3*: جادوگر عاشق قهرمان می‌شود و به همین دلیل طلسم را باطل می‌کند؛ زنان ضحاک شیفته فریدون می‌شوند و به فرمان او طلسم سنگ‌شدگی سپاه را باطل می‌کنند. ص. ۱۸

-G303.9.6.1.3*: مبارزه‌ی شیطان و انسان؛ شیطان و هوم با خواندن هفت‌بار اسم اعظم با یک‌دیگر مبارزه می‌کنند. ص. ۱۴ (ر.ک. D1273.0.5 و G303.9.8.13*)

-G303.9.8.12*: اعمال گوناگون اهریمن؛ شیطان مخفی‌گاه آبتین را فاش می‌کند. ص. ۱۳ (ر.ک. K789*)

-G303.9.8.13*: اعمال گوناگون اهریمن؛ شیطان اسم اعظم می‌خواند تا هوم عابد را شکست دهد. ص. ۱۴ (ر.ک. D1273.0.5 و G303.9.6.1.3*)

(H: آزمون‌ها)

-H316.2: گل‌هایی که به سمت خواستگاران پرتاب می‌شوند، انتخاب شاهدخت را برای ازدواج نشان می‌دهند؛ شاهدخت‌های یمنی عشق و تمایلشان به ازدواج با هر کدام از پسران فریدون را با دادن گل به فرد مورد نظر ابراز

می‌کنند. ص. ۲۱.

H617: تعبیر رمزی یا نمادین رویا؛ در رویا شیری ضحاک را می‌درد که موبدان آن را نماد فریدون به شمار می‌آورند. ص. ۱۳. (ر.ک. D1712.3 و M302.7)

H1133.7*: تکلیف؛ ساختن قلعه‌ای محکم در کوه صعب‌العبور؛ به دستور ضحاک دو قسمت از دولتش باید صرف ساختن قلعه‌ای محکم برای اولاد و اموالش گردد. در حوالی زابل، در مهرکوه هفت قلعه تودرتو برای این امر ساخته می‌شود که دیوار قلعه‌ی اول با کف قلعه دوم و کنگره دیوار قلعه دوم با کف قلعه سوم مقابل است. ص. ۱۷.
H1199.5: تکلیف؛ شکستن طلسم. اولین تکلیفی که هوم بر عهده فریدون می‌گذارد، شکستن طلسم جمشید است. ص. ۱۴.

H1224: جست‌جوی پادشاه برای کمک نظامی به او؛ کاوه سپاهی جمع‌آوری می‌کند تا به یاری فریدون بشتابد. ص. ۱۵. (ر.ک. H1228)

H1228: جست‌جو و سفر برای کین‌خواهی؛ کاوه به جست‌جوی فریدون برمی‌خیزد تا با سپاهی تشکیل‌شده از مردم و به یاری فریدون انتقام خون جوانان سرزمینش را از ضحاک بگیرد. ص. ۱۵. (ر.ک. H1224)

H1574.3.0.1: امتحان فرزندان برای انتخاب ولیعهد تاج و تخت؛ فریدون با خواندن وردی به صورت ازدها درمی‌آید تا فرزندان را امتحان کند و ولیعهد خویش را بیابد. تنها کسی که در مقابل ازدها می‌ایستد ایرج است، سلم و تور فرار می‌کنند. ص. ۲۱.

(J: خردمند و بی‌خرد)

J155.9*: زن خردمند؛ مادر فریدون با تظاهر به بیماری (مالیدن زردچوبه بر چهره) از دست قاتلان فرزندش نجات می‌یابد. ص. ۱۳. (ر.ک. R153.4.3*)

(K: فریب‌کاری و اغوا)

K789*: دستگیری قهرمان به یاری شیطان. شیطان مکان پنهان شدن آبتین (شکم اسب) را به مردار می‌گوید. ص. ۱۳. (ر.ک. G303.9.8.12*)

K1821.3: پنهان داشتن هویت با زدن نقابی بر چهره. دختر خزانهدار ضحاک نقابی بر چهره زده است که هویت او را پنهان نگاه می‌دارد. ص. ۱۶. و نیز دختر بهرام ایل بیگی که در پی شکار نقابی بر چهره زده است. ص. ۲۲. (ر.ک. N711.5* و N774.3.2* و T29.2*)

(M: آینده و تقدیر)

M257.1: درخواست قهرمان در حال مرگ. دو وصیت ایرج به برادران قبل از مرگ: اول این‌که از طفلی که در راه دارد نگهداری کنند و دوم آن‌که برای ملک با پدر رزم نکنند و او را صدمه نزنند. ص. ۲۴.
M302.4: طالع‌بینی به وسیله ستارگان. موبدان با دیدن ستاره فریدون و ضحاک، غلبه فریدون بر ضحاک را

پیش‌گویی می‌کنند. ص. ۱۶.

M302.7: پیش‌گویی از طریق رویا. موبدان پیش‌گویی می‌کنند که قاتل ضحاک، فریدون، زنده است. ص. ۱۳.
(ر.ک. D1712.3 و H617)

M314: پیش‌گویی: کودک پادشاه می‌شود. هوم عابد پیش‌گویی می‌کند که فریدون پادشاه هفت اقلیم می‌شود.
ص. ۱۴.

M341: پیش‌گویی مرگ. موبدان با طالع‌بینی کشته‌شدن سه پسر فریدون را پیش‌گویی می‌کنند. ص. ۱۹.
(ر.ک. *M369.8.1)

M369.8.1*: پیش‌گویی درباره کودکانی که در یک زمان متولد شده‌اند. موبدان پیش‌گویی می‌کنند که سه فرزند
در یک زمان متولد شده فریدون، هر سه کشته خواهند شد و سلم و تور قاتل ایرج هستند. ص. ۱۹. (ر.ک. M341)
M376.2: کشتن زن باردار برای جلوگیری از وقوع پیشگویی مربوط به تولد نوزاد آینده. کشتن زنان باردار برای
جلوگیری از تولد فریدون که طبق پیش‌گویی قاتل ضحاک است. (ر.ک. *S185.3 و *S302.1.1)

(N: بخت و شانس)

N500: گنجینه‌های دفن شده. تاج، کمر و قبای جمشید در سردابی در کوهی است. ص. ۱۴. (ر.ک. *N511.1.14)
N511.1.14*: گنجینه پنهان‌شده در زیر کوه. گنجینه جمشید در سردابی در زیر کوهی پنهان شده است. ص. ۱۴.
(ر.ک. N500)

N584*: شیر به عنوان نگبان گنجینه. فریدون باید پس از رسیدن به سرداب زیر کوه، شیری را که نگهبان گنجینه
جمشید است و به او حمله می‌کند را بکشد. ص. ۱۴. (ر.ک. B576.2)

N711.5*: دیدار اتفاقی قهرمان و دختر. فریدون (قهرمان و پادشاه آینده ایران) در حال صید دختری نقاب‌دار را
می‌بیند که در مبارزه‌ای با پاره شدن نقاب دختر عاشق او می‌گردد و تصمیم به ازدواج با او می‌گیرد (او در نهایت مادر
ایرج است). ص. ۱۶. و نیز تورک پسر گورنگ شاه زابلی در حین شکار دختری نقاب‌دار را می‌بیند که در نهایت با او
ازدواج می‌کند و شم از این ازدواج متولد می‌شود. ص. ۲۲. (ر.ک. *N771.3 و *K1821.3 و *T29.2)

N771.3*: شاه، شاهزاده و یا پهلوانی که به دنبال شکار می‌رود، ماجراهایی دارد: به نقاب‌داری می‌رسد که او هم
به دنبال شکار بوده است، درحین کشمکش با قهرمان، نقاب او کنار می‌رود یا پاره می‌شود، دختری مه‌سیما پدیدار
می‌گردد که قهرمان عاشقش می‌شود، با او ازدواج می‌کند و در ادامه روند داستان معمولاً فرزندی متولد می‌شود که
قهرمان آینده است. ماجرای فریدون و دختر خزانه‌دار ضحاک و تولد ایرج. ص. ۱۶. و نیز ماجرای تورک پسر گورنگ
شاه زابلی و دختر بهرام ایل‌بیگی و تولد شم. ص. ۲۲. (ر.ک. *N711.5 و *K1821.3 و *T29.2)

N848.0.1: مرد روحانی به عنوان یاریگر. هوم عابد یاریگر فریدون است. ص. ۱۴.

(P: اجتماع)

P11.7*: انتخاب پادشاه. فریدون با یافتن تاج، کمر و قبای جمشید و پوشیدن آن‌ها، شاه آینده قلمداد می‌شود.
ص. ۱۵.

12.2.1-P1: حاکم ظالم به عنوان هیولا. ضحاک چون هیولایی است که مارهایی بر دوش دارد و برای تغذیه آنان هر روز دو نفر از جوانان شهر را به قرعه می‌کشد. ص. ۱۵

13.5-P1: تاج‌گذاری پادشاه. فریدون پس از اسیر ساختن ضحاک بر تخت می‌نشیند. ص. ۱۸

14.9.1-P1: (قانونی درباره خبر بد ندادن به پادشاه): رهایی از خشم شاه در دادن خبر بد با گرفتن انگشتری زنهار (نشان امان پادشاه)؛ موبدان انگشتر زنهار می‌گیرند تا از طالع شوم کودکان پادشاه (فریدون) خبر دهند. ص. ۱۹

19.6-P1: سلطنت طولانی پادشاه. ضحاک نزدیک به هزار سال حکومت می‌کند (هزارسال یک روز کم). ص. ۱۵ و

۱۹

39-P3: شاهزاده برای برادران از پدر شفاعت می‌طلبد. ایرج نزد پدر برای برگرداندن برادران رانده شده‌اش شفاعت می‌طلبد. ص. ۲۰ (ر.ک. W10.3*)

40-P4: سوگواری در غم ولیعهد از دست رفته. فریدون هفت سال در دخمه ایرج به سوگواری می‌نشیند. ص. ۲۵ (ر.ک. F1041.3)

50.0.2-P5: مواجب شمشیری که پادشاه به قهرمان می‌بخشد، تیول سرزمینی است. تیول هند مواجب شمشیر تورک و تیول کابل مواجب شمشیر شیدسب را تأمین می‌کنند. ص. ۲۲

282.4-P2: تلاش نامادری برای کشتن فرزند پادشاه با دادن زهر به او. مادران سلم و تور تلاش می‌کنند تا به وسیله پیرزنی و با زهر ایرج را به قتل برسانند. صص. ۱۹ و ۲۰ (ر.ک. S31.1.1*)

311.5.1-P3: بیعت دوستی. مردار با هوم بیعت می‌کند که از فریدون حمایت کند و سپهسالار او شود. ص. ۱۴

324.3-P3: زندگی میهمان مصون از گزند است. (احترام به میهمان حتی اگر دشمن باشد) گورنگ شاه به تورک

اجازه نمی‌دهد تا زمانی که سرند متجاوز میهمان آنان در شهر به شمار می‌رود، به او گزندی برساند. ص. ۲۳

555.2.2-P5: سر قطع شده دشمن برای پادشاه فرستاده می‌شود. مردار سری قطع شده را به عنوان سر فریدون برای

ضحاک می‌فرستد. ص. ۱۴ و نیز سلم و تور سر قطع شده ایرج را برای فریدون می‌فرستند. ص. ۲۵

556-P5: هموارد جویی در میدان رزم. سرداران به میدان می‌آیند و حریف می‌طلبند. ص. ۱۶

557.8-P5: رسوم نظامی: زدن طبل در ابتدا و پایان روز جنگ. ص. ۱۶ و ۱۷

557.9-P5: رسوم نظامی؛ نبرد ابتدا با صف آرایی دو سپاه در برابر هم، همواردجویی پهلوانان و معمولاً به شکل تن

به تن آغاز می‌گردد، سپس معمولاً به جنگ پهلوان با کل سپاه می‌انجامد و در نهایت مغلوبه می‌شود (جنگ دو سپاه). در

برخی موارد به فرار سپاه شکست خورده و غارت آن سپاه می‌انجامد. ص. ۱۷

562-P5: شبیخون. شبیخون زدن به سپاه ضحاک به پیشنهاد کاوه. ص. ۱۷

681.1-P6: آداب سوگواری: بریدن یال و دم اسبان؛ پس از کشته شدن ایرج، ملازمان به نشانه سوگواری مرکب‌ها

را یال دم کردند (بریدن یال و دم اسبان). ص. ۲۵ (ر.ک. S175.1*)

(Q: پاداش و کیفر)

211.8.2-Q: مجازات برای میل به قتل. فریدون حکم می‌کند تا زنانش را به سبب تلاش برای کشتن ایرج بکشند،

- اما کاوه مانع می‌شود و فریدون آن‌ها را از شهر بیرون می‌کند. ص. ۲۰. (ر.ک. Q431.9.1 و S411)
- Q211.9.3*: برادرکشی مجازات می‌شود: پسر برادر کشته شده به خون‌خواهی پدر برمی‌خیزد. منوچهر برای قصاص از عموهایش داوطلب جنگ می‌شود. ص. ۲۵ و نیز منوچهر سر سلم را می‌برد. ص. ۱۰۰ و نیز منوچهر سر تور را می‌برد. ص. ۱۰۲
- Q431-: مجازات اخراج. فریدون، حاکم اصفهان، بهرام را که حکم او را نادیده گرفته و همسران وی را پناه داده است از حکومت اصفهان اخراج می‌کند. ص. ۲۰
- Q431.9.1-: تبعید به عنوان مجازاتی برای سوء قصد. فریدون دستور می‌دهد تا همسرانش را به سبب سوء قصد به جان ایرج از شهر بیرون کنند. ص. ۲۰. (ر.ک. Q211.8.2 و S411)
- Q451.1.6-: قاصد دشمن قطع عضو می‌شود. فریدون گوش و بینی قاصد سلم و تور را می‌برد. ص. ۲۳. (R: تبعید و اسارت)
- R153.4.3*: نجات فرزند. مادر فریدون با تظاهر به بیماری، فرزندش را از مرگ می‌رهاند. ص. ۱۳. (ر.ک. *J155.9)
- R332*: پناه بردن و زنده‌خواستن. کدخدای آسمان‌گرد برای بخشیده شدن از سوی ضحاک در اصطبل بست می‌نشیند. ص. ۱۳.
- (S: ظلم و ستم)
- S31.1.1-: زنان ظالم پادشاه بر ضد پسر او دسیسه می‌کنند. زنان فریدون برای کشتن ایرج دسیسه می‌کنند. صص. ۱۹ و ۲۰. (ر.ک. *P282.4)
- S33-: برادران ناتنی ظالم. برادران ایرج در برابر مهربانی‌های او، بدرفتارند. ص. ۲۰ و نیز سلم و تور به ایرج که برای صلح و آشتی نزد آنان رفته است، آن قدر شراب می‌دهند تا مست شود، سپس او را می‌کشند. ص. ۲۴. (ر.ک. S73.1.1)
- S73.1.1-: برادرکشی برای تحت فرمان گرفتن قلمرو پادشاهی. سلم و تور ایرج را به قتل می‌رسانند زیرا حکومت ایران را حق خود می‌دانند. ص. ۲۵. (ر.ک. S33)
- S133-: قتل با بریدن سر. تور سر ایرج را در طشتی می‌برد. ص. ۲۵
- S139.2.2.1.7-: سر شاهزاده کشته شده برای پدرش فرستاده می‌شود. سلم و تور سر ایرج را در طشتی می‌نهند و نزد فریدون می‌فرستند. ص. ۲۵
- S175.1-: قطع عضو کردن اسبان به نشانه سوگواری. پس از کشته شدن ایرج، ملازمان نعش او را برداشتند و با گریبان پاره، مرکب‌ها را یال دم کردند (بریدن یال و دم اسبان). ص. ۲۵. (ر.ک. *P ۱/۶۸۱)
- S185.3-: اعمال ظالمانه نسبت به زنان باردار. پاره کردن شکم چهار هزار زن باردار به دست مردار برای جلوگیری از تولد فریدون. ص. ۱۳. (ر.ک. M376.2 و *S302.1.1)
- S302.1.1-: کودکان به دنیا نیامده قتل عام می‌شوند تا قهرمان (فریدون) آینده، قاتل پادشاه ستمگر (ضحاک)، از بین برود. ص. ۱۳. (ر.ک. M376.2 و *S185.2)

S411- همسران اخراج می‌شوند. همسران فریدون به دلیل تلاش برای کشتن ایرج اخراج می‌شوند. ص. ۲۰.
(ر.ک. Q211.8.2 و Q431.9.1)

(T: زناشویی و ازدواج)

T29.2*: قهرمان زمانی عاشق دختر می‌شود که نقاب دختر در مبارزه پاره می‌شود یا کنار می‌رود؛ با پاره شدن نقاب دختر خزانه‌دار ضحاک، فریدون بدو مایل می‌گردد. ص. ۱۶ و نیز عاشق شدن تورک پسر گورنگ شاه زابلی بر دختر نقاب بر چهره زده‌ی بهرام ایل‌بیگی. ص. ۲۲ (ر.ک. K1821.3 و N711.5* و N771.3*)

T35.0.3*: دیدار عاشقانه؛ قهرمان و معشوقه‌اش پس از عاشق شدن به بزم می‌نشینند و شراب می‌نوشند. فریدون و دختر بهرام ابرکوهی، خزانه‌دار ضحاک، پس از عاشق شدن در باغی به بزم می‌نشینند و شراب می‌نوشند. ص. ۱۶.
T69.1.1*: ازدواجسه برادر با سه خواهر. سه پسر فریدون با سه دختر شاه یمن ازدواج می‌کنند.
ص. ۲۱ (ر.ک. Z71.1.19*)

T95.1.1*: عاشق پدر معشوقه را می‌کشد. پدر معشوقه فریدون خزانه‌دار ضحاک، بهرام ابرکوهی است که قصد کشتن فریدون را دارد و فریدون او را به قتل می‌رساند. ص. ۱۶

T104.2: فرد پیروز خواستار ازدواج با دختر پادشاه شکست‌خورده است. فریدون با دیدن دختران ضحاک به ازدواج با آن‌ها مایل می‌شود. ص. ۱۹

T105*: ازدواج سیاسی: ازدواج دختران و پسران دو قلمرو پادشاهی برای برطرف شدن دشمنی. فریدون به توصیه وزیران قصد دارد سه دختر پادشاه یمن را برای سه پسرش خواستگاری کند. ص. ۲۰

T133.4: رسوم ازدواج: روانه شدن داماد برای آوردن عروس؛ شاه یمن به توصیه وزیرش از فریدون می‌خواهد تا رسم ازدواج را به جا آورد و پسرانش را برای بردن عروس‌هایشان روانه کند. صص. ۲۰ و ۲۱

T145: چند همسری. فریدون با دو دختر ضحاک (مادران سلم و تور) و دختر خزانه‌دار ضحاک (مادر ایرج) ازدواج می‌کند. ص. ۱۹

T145.1.3: ازدواج با چند خواهر. فریدون در یک شب با دو دختر ضحاک، مهر و ماه، ازدواج می‌کند. ص. ۱۹

T160.1*: به فعل رسانی ازدواج با بسته شدن نطفه فرزند در شب زفاف. بسته شدن نطفه ایرج، سلم و تور در شب ازدواج فریدون با مادران آن‌ها. ص. ۱۹ و نیز بسته شدن نطفه هوشنگ از سلم، پشنگ از تور و منوچهر از ایرج در شب ازدواج پدرانشان با دختران شاه یمن. ص. ۲۱

T471.4*: اسیر کردن دختر جنگ‌جو و گرد آمدن با او بی‌عقد و با زور و تولد ضد قهرمان. سرند پسر ضحاک دختر بهرام ایل‌بیگی را اسیر می‌سازد و به زور با او گرد می‌آید و این‌گونه نطفه کوهزاد بسته می‌شود. ص. ۲۲

T611.12*: گاوی قهرمان آینده (فریدون) را شیر می‌دهد. ص. ۱۴ (ر.ک. B535.0.1)

T615: رشد مافوق طبیعی. تورک فرزند گورنگ شاه زابلی در یک‌سالگی، چهارساله و در پنج‌سالگی ده‌ساله می‌نماید. ص. ۲۱ (ر.ک. F611.1.16*)

(V: دین)

V52.16*: قدرت اعجاب‌انگیز دعا برای بینا شدن. فریدون با دعا به درگاه یزدان برای دیدن منوچهر بینا می‌شود. ص. ۲۵ (ر.ک. D1766.1.4.1* و F952.8*)

V61.12*: آداب خاک‌سپاری: ساختن دخمه‌ای برای قهرمان کشته شده (مرده). فریدون دستور می‌دهد تا دخمه‌ای ترتیب دهند و نعش ایرج را بدان‌جا برند. ص. ۲۵

(W: ویژگی‌های شخصیت‌ها)

W10.3*: مهربانی شاهزاده در حق برادران ظالم. ایرج هرچه در برابر برادران رأفت می‌کند، آن‌ها بدو کم‌محللی و بدی می‌کنند. ص. ۲۰ و نیز ایرج در مقابل برادرها با ادب می‌ایستد و هفت مرتبه به خاک می‌افتد و دعا و ثنا به جای می‌آورد. ص. ۲۴ (ر.ک. P39*)

W11.2: پادشاه گشاده‌دست. فریدون پس از بر تخت نشستن، در خزانه‌ها را باز می‌کند، به مردم احسان می‌کند، هفت سال مالیات را به رعیت می‌بخشد و به سپاهیان انعام و خلعت می‌دهد. ص. ۱۹

W31: ویژگی نیک: فرمانبرداری. ایرج از حکم پدر پیروی می‌کند و با دختر شاه یمن در فارس ازدواج می‌کند. ص. ۲۱

W126: ویژگی بد و نامطلوب: نافرمانی. سلم و تور از حکم پدر سرپیچی می‌کنند و در همان یمن ازدواج می‌کنند. ص. ۲۱

(Z: بن‌مایه‌های گوناگون)

Z71.1.19*: اعداد قالبی: سه. ازدواج سه برادر با سه خواهر در داستان فریدون و ایرج. ص. ۲۱ (ر.ک. T69.1.1)

نتیجه

گسترده‌گی و حجم انبوه قصه‌ها و روایت‌ها در طومارهای نقالی، نیاز به طبقه‌بندی و فهرست شدن دارد، فهرستی که بتواند انبوه بن‌مایه‌ها را در کتابی ویژه و مرجع گردآوری نماید تا بدین وسیله مطالعه، تحقیق و بررسی مواد خام این قصه‌ها آسان‌تر گردد و فضا برای مطالعه تطبیقی آن‌ها با نمونه‌های مشابه در جهان باز گردد.

فهرست طبقه‌بندی بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه یکی از فهرست‌های عظیم جهانی است که استیث تامسون بنیان‌گذار آن است. این شیوه کمتر شناخته شده در کشور ما، می‌تواند قصه‌های عامیانه فارسی و به ویژه روایت‌های طومارهای نقالی را سامانی بخشد تا هم به عنوان ضمیمه‌ای، به فهرست جهانی بن‌مایه‌ها افزوده گردد و هم به روشن شدن پاره‌هایی مبهم از سنت حماسی ایران کمک نماید.

با فراهم آوردن فهرست روشنی از بن‌مایه‌ها، دسترسی آسان‌تر به هر بن‌مایه در روایت‌های مختلف ممکن می‌شود و ریشه‌یابی بن‌مایه‌ها، بررسی سیر تطور، تکامل، تأثیرپذیری و بقای یک بن‌مایه در دوره‌های مختلف آسان‌تر می‌گردد و نیز الگوی جامع برای فهرست کردن بن‌مایه‌های دیگر روایت‌ها پدید می‌آید.

با نگاهی به فهرست بن‌مایه‌های داستان فریدون، این نتیجه به دست می‌آید که شیوه فهرست کردن بن‌مایه‌های تامسون کاملاً بر روایات عامیانه ایرانی منطبق است و از این راه می‌توان بن‌مایه‌های تازه را به فهرست جهانی افزود. این موضوع در پژوهش کنونی با علامت ستاره‌ای که در ابتدای بن‌مایه‌های نو آمده است، کاملاً مشهود است. از سوی دیگر، با ترجمه شدن فهرست‌های به دست آمده از روایات ایرانی، افزودن بن‌مایه‌های تازه به فهرست جهانی امکان‌پذیر خواهد شد.

منابع

- ۱- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نقالی در ایران. پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا). سال ۲ ش ۴. پیاپی ۶۴-۱۲-۳۵.
- ۲- اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: آگاه.
- ۳- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۹). «علی‌نامه، شاهنامه و نقدی بر ساختارهای ایدئولوژیک در مطالعات حماسی». آینه‌ی میراث، دوره‌ی جدید، سال هشتم، ضمیمه‌ی ۳۵، ۲۰-۵۶.
- ۴- بویس، مری. (۱۳۶۹). گوسان‌های پارتی و سنت‌های خنیاگری در ایران. ترجمه‌ی مهری شرفی. چیستا، ش ۶۷ و ۶۶: ۷۸۰-۷۵۶.
- ۵- پارسانسب، محمد. (۱۳۸۸). بن‌مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و... فصل‌نامه‌ی نقد ادبی. سال ۱. ش ۵، ۴۰-۷.
- ۶- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). از شاهنامه تا خدای‌نامه: نامه ایران باستان، سال ۷. ش ۲-۱: ۱۱۹-۳.
- ۷- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۰). حماسه ایران: یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، تهران: آگه.
- ۸- طومار نقالی شاهنامه. (۱۳۹۱). مقدمه، ویرایش و توضیحات سجاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.
- ۹- مارزلف، اولریش. (۱۳۷۱). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری، تهران: سروش.
- ۱۰- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۷). ادبیات عامیانه ایران به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- ۱۱- مشکین‌نامه (طومار نقالی). (۱۳۸۶). به اهتمام داوود فتحعلی‌بیگی. تهران: نمایش.
- 12-Apo, Satu. (1997). Motif. In *Folklore: An Encyclopedia*. Ed. by Thomas Green. pp. 563-565. Santabarbara, CA: ABC-CLIO Inc.
- 13-Baughman, Ernest Warren. (1966). *Type and Motif-Index of Folktales of England and North America*. Hague: Mouton and Co.
- 14-Cross, Tom Peete. (1969). *Motif-Index of Early Irish Literature*. Bloomington: Indiana University Press.
- 15-Dundes, Alan. (1997). The Motif-Index and the Tale Type Index: A Critique. *Journal of Folklore Research*. Vol.31, No. 3. pp. 195-202.
- 16-El-shamy, Hasan M. (2006). *A Motif Index of Thousands and One Nights*. Bloomington: Indiana University Press.
- 17-Garry, Jane and Hasan M. El-Shamy. (2005). *Archetypes and Motifs in folklore and literature: a handbook*. New York: M.E. Sharpe, Inc.
- 18-Thompson, Stith. (1977). *The folktale*. Berkeley: University of California Press.
- 19- ----- (1955-58). *Motif-index of folk-literature: a classification of narrative elements in folktales, ballads, myths, fables, mediaeval romances, exempla, fabliaux, jest-books, and local legends*. Revised and Enlarged Edition. 6 Volumes. Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press.